

❖ جمع پنجم) تفصیل بین ملاحظه و عدم ملاحظه طهارت و نجاست

مرحوم ایروانی می نویسد:

«و أحسن جمع بينها و بین الطائفة المانعة عن الانتفاع حمل الطائفة المانعة على صورة التلویت كما يشهد به ما ورد من تعلیل المنع عن الإسراج بألیات الغنم بأنه یصیب الثوب و البدن و هو حرام و حمل أخبار الرخصة على صورة التحفظ من التلویت أو عدم استعمال ما يتلوّث بها فیما یشرط بالطهارة و فی رواية صیقل التصريح بذلك و أنّ المنع من استعمال جلد الميتة إنّما هو من جهة حصول التلویت و من هذا یظهر ما هو الجمع بینها و بین الأخبار المانعة عن البیع و أنّ المنع بمنای الانتفاع بها یحرم الانتفاع به و لو من أجل حصول التلویت.»^۱

مرحوم خویی و برخی دیگر پاسخ می دهند:

«تلویث الید و الثیاب بالنجاسة لیس بنفسه محرما شرعیا بلا إشکال و لم یفت به أحد. نعم لا یجوز الصلاة معها و لا استعمالها فی الأکل و الشرب. و علی هذا فیرجع ما ذکره إلى ما مرّ من الوجه الثانی. و ظاهر التعلیل بأنه یصیب الید و الثوب کونه للإرشاد لا لیبان الحکم التکلیفی كما مرّ بیانه.»^۲

توجه شود که «تنجیس» در میان اعرابی که سگ در زندگی آنها موجود بوده است و ... نمی تواند آن اندازه مهم باشد که سبب تحریم استفاده از میتة شود.

❖ جمع ششم) تفصیل بین قبل از دباغی و بعد از دباغی

حضرت امام در کتاب الطهارة یکی از جمع هایی که ممکن است مطرح شود - هرچند با اجماع مخالف است - آن است که:

«أو حمل النهی عن الانتفاع بالمیتة علی الانتفاع قبل الدباغ؛ بقرینة ما نصّ علی أنّ الجلد یدبغ فینتفع به، لکن لا یصلّ فیهِ، و لا یصیر مذکّی به. هذا کلّه مع قطع النظر عن فتاوی الأوصحاب، و إلّا فلا ینبغی التردید فی عدم طهارته بالدباغ.»^۳

البته توجه شود که این جمع را حضرت امام درباره «پوست میتة» مطرح کرده اند.

ما می گوئیم:

جمع ششم و پنجم، شاهی ندارد. حمل بر تقیه هم بعد از عدم امکان جمع عرفی است. حمل بر کراهت نیز با توجه لسان منع و حرمت که در روایات فریقین است، بعید به نظر می رسد. لذاست که جمع دوم، عرفی

۱. حاشیة المكاسب (للایروانی)؛ ج ۱، ص: ۵

۲. دراسات فی المكاسب المحرمة؛ ج ۱، ص: ۳۳۸

۳. کتاب الطهارة (للإمام الخمينی، ط - الحدیثة)؛ ج ۳، ص: ۸۲



به نظر می رسد.

و الشاهد علی ذلك روایت ابو بصیر: «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الصَّلَاةِ فِي الْفِرَاءِ - فَقَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَ رَجُلًا صَرِدًا - لَا يُدْفِنُهُ فِرَاءُ الْحِجَازِ - لِأَنَّ دِبَاغَهَا بِالْقَرْظِ فَكَانَ يَبْعَثُ إِلَى الْعِرَاقِ - فَيُؤْتِي مِمَّا قَبْلَكُمْ بِالْفُرِّو فَيَلْبَسُهُ - فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ الْفَاءُ - وَالْقَى الْقَمِيصَ الَّذِي يَلْبَسُهُ...»^۱ که معلوم می کند که نباید برای نماز از میته استفاده کرد و حتی لباس زیری آن که ممکن است نجس شده باشد را هم باید از تن خارج کرد. و
 أيضاً روایت دعائم الاسلام که در آن حضرت می فرماید «یتنفع باللحاف الذی لا یلصق».

بحث استطرادی:

بی مناسبت نیست تا درباره پوست میته و امکان آنکه آیا با دباغی، طاهر می شود یا نه؟ - با توجه به اینکه اکثر روایات مسئله را خوانده ایم - بحثی را مطرح نمائیم:

قبل از طرح بحث لازم است اشاره کنیم که میته یا آدمی است یا غیر آدمی:

اما آدمی: پوست انسان مسلمان بعد از غسل طاهر است و کسی در این مسئله اشکال نکرده است.

اما غیر آدمی: جزء میته یا پوست است یا غیر پوست؛ غیر پوست به اجماع قابل طهارت نیست ولی درباره پوست

اختلاف است.

اما پوست حیوان میته:

مرحوم حکیم در حاشیه عبارت عروة الوثقی «جلد الميته لا يطهر بالدبغ» می نویسد:

«علی المشهور شهرة عظيمة كادت تكون إجماعاً، بل قيل: تواتر نقل الإجماع عليه. بل عد من ضروريات المذهب،

كما عن شرح المفاتيح نعم حكي القول بالطهارة عن ابن الجنيد، و عن المحدث الكاشاني الميل اليه.»^۲

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۴، ص: ۴۶۲

۲. مستمسک العروة الوثقی؛ ج ۱، ص: ۳۳۲